



مجتهدی فلسفه غرب را در بستر تاریخ غربی و ایران آموزش می‌داد

آثار مرحوم مجتهدی یک ویژگی برجسته دارد و آن هم رخداندنگاری برای اندیشه است، او ذهن تبارشناسانه داشت و سرآمد رخداندنگاران در حوزه اندیشه است.

آثار مرحوم مجتهدی یک ویژگی برجسته دارد و آن هم رخداندنگاری برای اندیشه است، او ذهن تبارشناسانه داشت و سرآمد رخداندنگاران در حوزه اندیشه است.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه - سارا فرجی: مرحوم استاد کریم مجتهدی در دوره ای که ایران درگیر تغییر و تحولات سیاسی مستبدانه رضاخان بود در شهر تبریز در خانواده ای به دنیا آمد که شخصیت بزرگی همانند آیت الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی داشت. وی در ۱۸ سالگی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و در دانشگاه «سوربن» پاریس که مهمترین دانشگاه فرانسه است، به تحصیل فلسفه پرداخته است. در آن زمان تنها ایرانی بوده است که از عهده امتحان عمومی ورودی «پروپتودیک» برآمده است و در سال های بعد به جای چهار «سرتیفیکا» لازم برای اخذ درجه کارشناسی، هفت «سرتیفیکا» گرفته است. استاد راهنمای دکترای او پروفیسور «گوندیاک» بوده است. رساله او جنبه فلسفه تطبیقی داشته و با فلسفه های شرق مربوط بوده است.

از این لحاظ بعد از مشورت با پروفیسور «هانری کربن» فیلسوف و شرق شناسی فقید، دو رساله از «افضل الدین کاشانی» را به زبان فرانسه ترجمه کرده و در یک شرح تفصیلی در ضمن به مقایسه افکار نوافلاطونیان متاخر با سنت های اسلامی پرداخته است. برخی از متفکران افلاطونی دوره متاخر از لحاظ فرهنگی واقعاً مرز مشترک میان فلسفه های شرق و غرب محسوب می شوند. وی در سال ۱۳۴۳ موفق به اخذ درجه دکترای خود شده و همان سال به ایران بازگشت. از آثار دکتر کریم مجتهدی می توان به فلسفه نقادی کانت؛ انتشارات امیرکبیر، فلسفه در قرون وسطی؛ انتشارات امیرکبیر، فلسفه تاریخ؛ انتشارات سروش، دکارت و فلسفه او؛ انتشارات امیرکبیر، پدیدارشناسی روح بر حسب نظر هگل؛ انتشارات علمی و فرهنگی دونس اسکوتوس و کانت به روایت هیدگر؛ انتشارات سروش، سیدجمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید؛ انتشارات تاریخ ایران، فلسفه و تجدد؛ انتشارات امیرکبیر اشاره کرد.

چندی پیش همزمان با روز معلم، مراسمی با عنوان «یک عمر معلم» ویژه بزرگداشت فیلسوف معاصر و غرب شناس کریم مجتهدی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در این مراسم تعدادی از اعضای پژوهشگاه علوم انسانی و اهالی فلسفه درباره یکی از آثار مجتهدی سخنرانی کردند. آنچه در ادامه می خوانید گزیده ای از یادداشت ها و سخنرانی این پژوهشگران درباره آثار مکتوب مرحوم کریم مجتهدی است.

عبدالمجید مبلغی / کتاب «فلسفه و تجدد»

آثار مرحوم مجتهدی یک ویژگی برجسته دارد و آن هم رخداندنگاری برای اندیشه است. او ذهن تبارشناسانه داشت و سرآمد رخداندنگاران در حوزه اندیشه است. او نه تنها رخداندنگاری اندیشه انجام می داد بلکه اندیشه نگاری رخداد هم می کرد. وی در مواجهه و مراجعه با مناسبت های بیرونی جان مایه های نامتناجس موقعیت ها را لحاظ می کرد. کتاب «فلسفه و تجدد» وی دقیقاً این ویژگی را دارد. ما در این کتاب شاهد ضرباهنگ گسترش آگاهی در جوانب مختلف قرن ۱۸ هستیم. قری که زادگاه اتفاقات بسیار مهمی است و مجتهدی می کوشد نشان دهد که این قرن را چگونه باید فهمید.

مجتهدی در کتاب «فلسفه و تجدد» سرشت انباشت گرا را به خوبی نشان می دهد. در دوره ای که تجددگرایان پرشور و منورالفکران فرانسوی برآن بودند که خود را فیلسوف بدانند مجتهدی نسبت به این جریان انتقاد دارد و تلاش می کند نشان دهد که چرا این افراد و جریان فلسفه نیستند. مجتهدی علم زده و حاصل اندیشه تحصیل گرا بود. مجتهدی در این کتاب از اصطلاح سو استفاده از فلسفه برای این افراد و جریان استفاده می کند و می گوید این افراد چنین کاری با فلسفه می کنند و درست در همین جاست که مجتهدی فراتر از رخداد اندیشه نگار، اندیشه نگاری رخداد می کند.

حجت الاسلام رضا غلامی / کتاب «فلسفه و فرهنگ»

مرحوم مجتهدی را اغلب افراد به عنوان استاد، نقاد و محقق فلسفه مدرن و غربی می شناسند اما ایشان فلسفه اسلامی هم خیلی خوب می شناختند و مطالعات و پژوهش های خوبی در حوزه فلسفه اشراق، صدرایی و تاریخ یونان باستان انجام داده

بودند و درک خوبی از فلسفه اسلامی داشتند.

در کتاب «فلسفه و فرهنگ» ایشان که در سال ۱۳۸۹ منتشر شده مقالات و سخنرانی های ایشان در دو حوزه فلسفه و فرهنگ آمده که بسیار سودمند است. مجتهدی فیلسوفان را از دو جهان متفاوت (غرب و اسلام) دعوت کرده و این جهان ها را باهم مقایسه کرده و به نوعی بیان کرده که ریشه هر دو فلسفه از یونان باستان گرفته شده و عاملیت اندیشه ورزی در هر دو جهان (اسلام و غرب) انسان است و ذات انسان هم که یکی است.

ایشان نگاه والا و ابداعات خوبی نسبت به فلسفه اسلامی داشت به خصوص در حوزه فلسفه «اشراق» و موضوع «نور». مجتهدی سخنان شوق انگیزی درباره سهروردی داشت و همین بدیع نگری و نوع نگاه نسبت به فلسفه صدرایی هم وجود داشت و در چندین جا عظمت نظرات ملاصدرا را هم متذکر می شوند.

بنده ادامه مسیر مجتهدی را به نفع هر دو فلسفه (غرب و اسلامی) می دانم و به عقیده من تلقی فعلی از مدرنیسم که در تعارض با سنت است یک رویکرد کاریکاتوری و بیهوده است. این درحالیست که آگزیستانس هایدگری هم نتوانسته ذات گرایی انسان را نفی کند

به عقیده من این جنس مقایسه های نظریات فلسفی بیش از همه راه رشد فلسفه اسلامی و امکان نوآوری در این فلسفه را فراهم می کند و اگر این مطالعات تطبیقی تداوم پیدا کند پنجره های جدیدی در فلسفه اسلامی باز می شود.

فلسفه اسلامی در جهان خودش از رشد لازم بازمانده و حتی افرادی مثل علامه طباطبایی هم اگر نوآوری در فلسفه اسلامی داشتند به خاطر مواجهه شان با فلسفه غربی است.

هادی وکیلی / کتاب «داستایوفسکی، آثار و افکار»

مرحوم مجتهدی داستایوفسکی را داستایوفسکی هم می نامند چون به عقیده وی این نویسنده الهام بخش ادبیات مدرن قرن بیستم است. ظاهراً اولین مواجهه مرحوم مجتهدی با داستایوفسکی به سال ۱۳۲۴ و مجله «سخن» برمی گردد. تا قبل از این ادبیات فرانسه و انگلیسی خیلی مد بوده اما از اوایل جنگ جهانی دوم ادبیات روس هم رایج می شود و در نهایت مرحوم مجتهدی در سال ۱۳۸۶ تصمیم به نگارش کتابی درباره داستایوفسکی می گیرد.

علاقه مجتهدی به داستایوفسکی سه دلیل دارد: توجه خودآگاهانه مجتهدی به ارتباط تفکر ادبی و فلسفی، توجه ناخودآگاهانه ناشی از علاقه استادانش به داستایوفسکی در دانشگاه سوربن و عرق شرقی بودگی مجتهدی.

از نظر مجتهدی صاحب یک تفکر را نمی توان یک فیلسوف دانست چون فیلسوف واقعی باید دانشگاهی باشد اما داستایوفسکی برای او استثناست و ظاهراً مشکلی ندارد فیلسوف بنامدش. مجتهدی، داستایوفسکی را فیلسوف فاجعه و پیروزی نامیده است.

مجتهدی در بخش پایانی کتاب «داستایوفسکی، آثار و افکار» مطالبی درباره شخصیت داستایوفسکی گفته که به نظرم می توان به جای همه ضمایی که برای داستایوفسکی استفاده کرده نام خودش را گذاشت.

محمدعلی فتح اللهی / کتاب «مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران»

«مطالعات میان رشته ای» گم شده علوم انسانی امروز در جامعه به ویژه در دانشگاه ها است. مرحوم مجتهدی فیلسوف بود اما وارد حوزه های دیگر هم می شد. کتاب «مغولان و سرنوشت فرهنگی ایران» کتاب خیلی مهمی است چون مجتهدی در آن مثل یک مورخ وارد مباحث تاریخی شده با اینکه خودش را مورخ نمی داند به بیان دیگر مجتهدی در این کتاب با تأمل فلسفی به موضوع تاریخ پرداخته است.

مجتهدی در این کتاب، تاریخ را بیان گذشته و فلسفه را طراحی آینده دانسته و به نوعی خواسته میان این دو ارتباط بنیادین برقرار کند. علاوه بر این، نویسنده در بخشی از کتاب به مساله «هویت» پرداخته و بیان کرده که موضوع «هویت» یک ماهیت میان رشته ای دارد و موضوع هویت ایرانی یک موضوع بسیار جدی است. وی در این کتاب هویت را همان اراده دانسته و تعبیر جالبی که درباره مغولان دارند اینکه با مغول زدایی نمی توان عظمت به دست آورد بلکه باید از تأثیرات آن آگاه شد و از آنها استفاده کرد. به عقیده مرحوم مجتهدی هویت ایرانی در استمرار تاریخ خودساخته است.

این نوع نگاه میان رشته ای مجتهدی فلسفه و تاریخ را به هم نزدیک می کند. با خواندن این کتاب به اهمیت جایگاه عالم خیال در زندگی سیاسی و اجتماعی پی می بریم، موضوعی که باید به آن پرداخته شود. افرادی چون دکتر داوری نیز به این موضوع پرداختند.

مصطفی شهرآئینی / کتاب «دکارت و فلسفه او»

رساله دکتری مرحوم مجتهدی ترجمه ای از بابا افضل کاشانی است و بابا افضل کاشانی در جایی گفته که ما از فلسفه بیداری مردم دانشجوی را می خواهیم و به عقیده من مرحوم مجتهدی تجسم همین جمله است.

مرحوم مجتهدی میان معلمی و دانشجوی دیالکتیک فعال قائل بود و همیشه اصرار داشت تا خودش را یک معلم ساده معرفی کند. همچنین همیشه به پیوند میان فلسفه و تاریخ بسیار تاکید داشتند.

ایشان فلسفه غرب و دکارت را در بستر تاریخ غربی و ایران کانونی آموزش می داد و آثاری از دکارت را آموزش می دادند که معمولاً خیلی آنها را جدی نمی گیریم. علاوه بر این توجه دکتر مجتهدی به مساله «زبان» بسیار مهم و آموزنده است. چون به عقیده ایشان آشکارترین نماد فرهنگ، زبان است و به همین دلیل هم به زبان فارسی هم اندازه فلسفه اهتمام داشتند و وقتی می گفتند فرهنگ ما بیمار است منظورشان زبان فارسی بود.

عبدالرحمن حسینی فر / کتاب «فلسفه تاریخ»

این کتاب از جمله آثار دکتر مجتهدی در حوزه فلسفه به طور عام و فرهنگ پروری به طور خاص بود؛ بنابراین توجه و پرداختن به این اثر از موضوع تا عنوان می تواند از منظر پذیرش مورد در توجه قرار گیرد؛ از این کتاب می توان برای حل معضلات امروز بهره برد؛ دکتر مجتهدی در کتاب خود معطوف به تعریفی که از فلسفه تاریخ دارد مطالب مربوط به آن را مطرح می کند، در این کتاب به فرهنگ سنتی چین و هندوستان و بعد فرهنگ باستانی یونان و رم و سپس سنت های اسلام و مسیحیت و یهود می پردازد.

ایشان در کتاب دو معنا برای فلسفه تاریخ قائل هستند؛ یکی معنای عام فلسفه تاریخ که عمومی است و دیگری معنای خاص آنکه از قرن ۱۷ درباره تاریخ مکتوب شکل گرفته و تا قرن ۱۹ هم ادامه پیدا کرده است.

از نظر مجتهدی اصطلاح فلسفه تاریخ جدید است و در مورد دوره باستان باید مسائل فلسفه تاریخ را به دقت مورد توجه قرار داد، به عقیده ایشان فلسفه تاریخ، پرسش در مورد مسائل تاریخ است که مهمترین ویژگی آن پیچیدگی است، چراکه فرهنگ ها در طول تاریخ در حال سیوروت هستند و قرار گرفتن فلسفه قبل از تاریخ صرفاً در راستای دور نگه داشتن ذهن از سطحی اندیشی بوده است، فلسفه تاریخ نظرگاه فرهنگی را در اختیار انسان قرار می دهد و از نظر مجتهدی مقوم فلسفه تاریخ، تاریخ فرهنگ و اعتقادات اقوام در طول تاریخ است.

طاہره کمالی زاده / کتاب «سهروردی و افکار او»

مرحوم مجتهدی استاد و متخصص فلسفه غرب بود اما ارتباط خوبی با سهروردی و آثار او داشت. موضوع رساله دکترایشان در سوربن هم درباره بابا افضل کاشانی است که این رساله هیچ وقت چاپ نشد اما مقالات مختلفی از آن منتشر شد و از جمله «هانری کربن» در یکی از آثار خود به این مقاله مجتهدی ارجاع داده است.

رویگردی که ایشان به سهروردی دارند بسیار متفاوت است و در کتاب «سهروردی و افکار او» سیر سلوک سهروردی را از سهرورد تا حلب روایت می کند و او را یک فیلسوف سالک می داند نه یک فیلسوف متفکر. علاوه بر اینکه مسیر انتقال جریان معنوی به سهروردی را هم بیان و تفکرات سهروردی را ریشه یابی می کند.

مجتهدی در این کتاب از چهار منظر فکری (حکمت ایرانیان باستان، حکمت الهی یونان، حکمت مشا و قرآن مجید) به سهروردی می پردازد و در این بین جنبه حکمت ایرانیان باستان را مورد توجه قرار می دهد، ضمن اینکه مسیریابی تاریخی دکتر مجتهدی در این اثر را نمی شود انکار کرد و گفت تصادفی بوده است، از سوی دیگر مجتهدی در این کتاب از مستشرقانی که سهروردی را به جهان غرب معرفی کردند را نام برده است.